

گرامیداشت یاد و خاطره بیش از ۱۹۰ شهید لشکر خط شکن ۸ نجف اشرف تنها در یک روز از عملیات خیبر و شهادت ۳۳۰ شهید در این عملیات





روز حماسه و ایثار مردم

مردم نجف آباد در طول مبارزات دوران انقلاب و دوران دفاع مقدس، همواره یکی از شهرهای پیشرو کشور بوده‌اند و در طول این سال‌ها نزدیک به ۲۵۰۰ شهید را تقدیم نظام اسلامی و امنیت کشور کرده‌اند. در این میان سال‌های ۶۱ و ۶۲ که مصادف با آزادسازی بخش عمده‌ای از مناطق اشغالی کشور در قالب عملیات‌هایی مانند الی بیت المقدس و آغاز ورود به خاک عراق در راستای سیاست تنبیه متجاوز و تداوم آزادسازی‌ها در عملیات‌هایی مانند رمضان، محرم، والفجرها و خیبر بود، بیشترین سهم از مجموع شهدای این شهر را به خود اختصاص داده‌اند.

در طول این سال‌ها، شهر نجف آباد مقاطع زیادی را به خود دیده که طی آن ده‌ها پیکر شهید را تشییع کرده و هم‌زمان صدها رزمنده را به سمت جبهه‌ها بدرقه کرده است. در بین این ایام خاطره‌انگیز، اسفند ۶۲ حال و هوایی متفاوت‌تر دارد؛ ماهی که با خبر موفقیت لشکر ۸ نجف اشرف در جزایر مجنون شروع شد و با خبر شهادت و مفقودالائری صدها رزمنده لشکر و حماسه حفظ جزایر و احداث جاده عظیم سیدالشهداء با مشارکت نیروهای جهاد سازندگی نجف آباد ادامه پیدا کرد. شهرستان نجف آباد در عملیات خیبر،



جف آباد



نزدیک به سیصد شهید داشت که از این تعداد، حدود ۲۰۰ نفر مربوط به پنجم اسفند و مأموریت ویژه این روز بود و به همین دلیل، روز پنجم اسفند به عنوان «روز حماسه و ایثار مردم نجف‌آباد» نام‌گذاری شده و همه ساله ویژه برنامه‌های مختلفی در چنین ایامی تدارک دیده می‌شود. سال ۹۴ نیز به همین مناسبت، مردم نجف‌آباد دیداری تاریخی با مقام معظم رهبری (مدظله) داشتند که ایشان هم‌چون گذشته در سخنان خود به تجلیل جایگاه منحصر به فرد این شهرستان در زمینه علم، ایمان و ایثار پرداختند.

مجموعه شهرداری و شورای اسلامی شهر نجف‌آباد نیز هر ساله به این مناسبت انجام اقداماتی مانند برگزاری همایش، نمایشگاه، سخنرانی، تجلیل از خانواده شهدا، خاطره‌گویی، تولید کلیپ‌های مختلف، اختصاص تابلوهای فرهنگ شهروندی به این موضوع و فضاسازی خاص در سطح شهر را در دستور کار قرار داده است.

امسال نیز به همین مناسبت، انتشار ویژه‌نامه‌ای با موضوع معرفی حماسه پنجم اسفند و نیز مقام معظم رهبری در سه دیدار اختصاصی با مردم و مسئولین نجف‌آباد در دستور کار قرار گرفت که حاصل آن، کتابچه‌ای است که مشاهده می‌کنید. امید که این مجلد ادای احترامی به مقام شامخ شهداء و ایثارگران نجف‌آباد و خانواده معزز ایشان باشد.

سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری نجف‌آباد

اسفند ۱۳۹۹





شهره به پای

سخنرانی رهبر معظم انقلاب در اجتماع بزرگ مردم نجف آباد

رهبر معظم انقلاب اسلامی در ۱۰ آبان ماه ۱۳۸۰ پس از استقبال پرتراوت مردمی، در اجتماع دهها هزار نفر مردم نجف آباد در میدان امام خمینی (ره) حضور یافتند و ضمن پاسخگویی به ابراز احساسات و صف ناپذیر آنان تأکید کردند: ملت مسلمان ایران همان ملت دوران انقلاب است و با استقامت در برابر توطئه های دشمن و عوامل داخلی آن همچنان راه عزت و شرف و افتخار را ادامه خواهد داد.

حضرت آیت الله خامنه ای (ره) با تبریک خجسته میلاد حضرت حجة ابن الحسن العسكري امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف)، روز نیمه شعبان را روز «امید و ایمان»، و روز مجاهدان پاکباز خواندند و تصریح کردند: نجف آباد شهر علم و ایمان و ایثار و نگاه روشن بینانه به مسائل کشور است و مردم عزیز آن به پایداری بر دین خدا و وفاداری به اسلام شهره هستند.

مقام معظم رهبری با تجلیل از علمای جلیل القدر نجف آباد در طول تاریخ و نیز سرداران و شهیدان سرافراز این شهر تأکید کردند: اگر پایه های مستحکم هویت و شخصیت تاریخی هر شهر و کشور به نسل جوان منتقل شود آن شهر و آن کشور

عکس: نجف آباد - میدان امام خمینی (ره) - ۱۳۸۰

داری‌دردین





در مقابل هر توطئه‌ای آسیب‌ناپذیر خواهد ماند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای تلاش دشمن را برای کمرنگ کردن هویت دینی و پایبندی اعتقادی ملت ایران خاطرنشان کردند و افزودند: دشمن و عوامل داخلی آن سعی می‌کنند با به فراموشی سپردن مفاخر انقلابی و مظاهر ایثار و مجاهدت و شهادت و زیر سؤال بردن اراده قاطع و مصمم امام، مردم را نسبت به گذشته پرافتخار خود دچار غفلت سازد و ایستادگی آنان را تضعیف کند اما ملت ایران حاضر نیست پل ورود دشمنان و سلطه دوباره آنان بر ایران شود.

رهبر معظم انقلاب اسلامی یادآوری کردند: یک روز یک فردی که غافلانه و خائنانه به بلندگوی تبلیغاتی دشمنان ملت ایران تبدیل شده بود اعلام کرد انقلاب تمام شده است اما همان روز هوشیاران ملت گفتند که این تنها یک خواب است و انقلاب اسلامی ملت ایران تمام شدنی نیست.

ایشان استقامت و پایداری مستمر را رمز دستیابی به اهداف و راز تحقق آرمانهای هر ملت برشمردند و خاطرنشان کردند: استکبار آمریکا و دیگر مستکبران جهان که از حرکت ملت ایران بشدت ضربه خورده‌اند درصددند با محاصره «تبلیغاتی و فرهنگی» و تحقیر شعارها و آرمانهای مردم، ناکامیهای خود را جبران کنند. مقام معظم رهبری با اشاره به حملات شدید دشمن به مظاهر مقاومت ملت ایران افزودند: متأسفانه در داخل هم برخی‌ها با سهل‌انگاری، دل سپردن به دنیا، حسادت و کینه و یا ایجاد اختلافات بی‌حاصل به اهداف دشمن کمک می‌کنند و ملت ایران باید ضمن هوشیاری کامل در برابر دشمنان خارجی، از دشمنان درونی هم غافل نماند.

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای دلهای پاک و «صفا و خلوص» جوانان کشور را از بزرگترین نعمتهای خداوند خواندند و افزودند: عده‌ای این صفا را ملعبه قرار داده‌اند و همراه با دشمن با شایعه‌سازی،



دروغ پراکنی، بزرگنمایی نقاط ضعف و تحریف حقایق انقلاب تلاش می‌کنند نسل جوان کشور را نسبت به تاریخ پر حماسه انقلاب و دوران دفاع مقدس دچار تردید سازند که این جفا به اسلام و انقلاب و مردم است.

رهبر معظم انقلاب اسلامی امیدواری دشمن را برای تحقق اهداف خود در ایران، خوابی آشفته و پریشان خواندند و تصریح کردند: ملت ایران همان ملت سال ۵۷ و ملت دوران جنگ است که بارها و بارها آمریکا و متحدانش و عوامل داخلی آنان را با شجاعت و ایثار و قاطعیت مأیوس کرده است و این بار نیز به یاری خداوند فشارها و بدگوییها و مزاحمتها نخواهد توانست این ملت را از ادامه راه خدا و راه عزت و شرف و سرافرازی باز دارد.

مقام معظم رهبری با تأکید مجدد بر لزوم پرهیز مسؤولان از اختلاف و دودستگی به تلاشهای مسؤولان برای حل مشکلات کشور اشاره کردند و افزودند: مطالب مطرح شده در مورد لزوم حل مشکل بیکاری جوانان و مبارزه پیگیر با مفاسد مالی و اقتصادی، بسیار جدی است و به فضل پروردگار مبارزه با فساد تا جاییکه آثار آن چشم ملت را روشن کند ادامه خواهد یافت. ایشان همچنین لزوم حل مشکلات استان اصفهان و شهر نجف آباد را یادآوری کردند و افزودند: امیدواریم مردم این منطقه آثار تصمیمات مسؤولان مختلف را برای حل این مشکلات، هرچه سریعتر مشاهده کنند.

در این دیدار پیش از سخنان مقام معظم رهبری، حجت الاسلام حسنانی امام جمعه نجف آباد ضمن خیر مقدم به رهبر معظم انقلاب بر پیوند جاودانه مردم مؤمن، شهیدپرور و هوشیار این شهر با آرمانهای اسلام و انقلاب تأکید کرد.

منبع: دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت الله خامنه‌ای (مدظله)

نجف آباد؛ قلۀ برجستـ

بیانات مقام معظم رهبری در دیدار دست‌اندرکاران کنگره ملی شهدای نجف آباد



عکس: تهران - حسینیه امام خمینی (ره) - ۱۳۹۴

اُیثار و شهادت



بسم الله الرحمن الرحيم

شهر نجف آباد، هم از لحاظ مذهبی، هم از لحاظ انقلابی، انصافاً یک شهر برجسته است؛ همان طور که اشاره کردند، (۱) از زمان شیخ بهایی و بعد، همین طور علمای بزرگی از نجف آباد برخاستند -مرحوم آمیرزا محمد نجف آبادی، مرحوم آسید علی نجف آبادی؛ بزرگانی بودند که هم در نجف آباد ساکن بودند، هم در اصفهان مرکز تجمع طلاب و علما و مانند اینها بودند- و بعد هم وقتی به نهضت اسلامی منتهی شد، انصافاً نجف آباد یکی از پیشروترین شهرستانها بود؛ کمتر جایی را ما سراغ داریم که مثل نجف آباد از نهضت امام (رضوان الله علیه) استقبال کرده باشند؛ که البته عمده اش به برکت مرحوم آقای منتظری بود. ایشان خب شاگرد امام و علاقه مند به امام و ارادتمند به امام و معتقد به مبارزه و به انقلاب بودند؛ لذا در نجف آباد - همان زمان، پیش از انقلاب، من نجف آباد رفتم، اوضاع نجف آباد را دیدم - با اینکه تبلیغات ضد مذهبی هم هست و از جاهای مختلف، مذاهب باطل و غیره فعالند، لکن حقیقتاً یک مجموعه ی مردم یکپارچه ی مؤمن و معتقد به انقلاب و علاقه مند به انقلاب [بودند]؛ بعد هم که انقلاب پیروز شد همین جور. این لشکر هشت نجف که آقایان اسم آوردند، یکی از لشکرهای قَدَر در میدانهای دفاع هشت ساله بود و خود مرحوم شهید کاظمی (رضوان الله تعالی علیه) واقعا یکی از آن فرماندهان برجسته بود. بنده در همان دوران جنگ رفتم خوزستان به مرکز لشکر نجف، [از] آنجا بازدید کردم؛ چیزهایی در آنجا دیدم که در کمتر لشکری آدم میتوانست آنها را مشاهده کند: آمادگی ها از یک سو، روحیه ی خیلی بالا از یک سو و نظم و ترتیب؛ نظم و ترتیبی که من در آن لشکر دیدم، در کمتر جایی انسان آن را مشاهده میکرد. خب شهدای برجسته ای هم دارد که جناب آقای حسناتی ذکر کردند؛ دانشجو و دانش آموز و معلم و روحانی و شخصیت های سیاسی و مانند اینها. (۲) انصافاً برجستگی خاصی دارد؛ واقعا یکی از قله های برجسته ی جهاد، بدون تردید نجف آباد است.

امیدواریم ان شاء الله خدای متعال به آن مردم عزیز اجر بدهد؛ شهدایشان را ان شاء الله خدای متعال با پیغمبر محشور کند؛ خانواده هایشان را سرافراز و سربلند بدارد؛ و این گردهمایی بزرگی را هم که شما در این شهر دارید انجام میدهید، ان شاء الله منشأ آثار و برکات خیری قرار بدهد. سلام ما را هم، هم آقای حسناتی به مردم عزیز نجف آباد - در واقع به یک معنا همشهری های خود ما؛ جد ما مرحوم آقای آسید هاشم نجف آبادی هم خب نجف آبادی اند دیگر، ما از این طریق یک اتصال هم به نجف آباد پیدا میکنیم - برسانند و همچنین سردار سلیمانی مان هم سلام ما را به بچه های سپاه و بسیج و اینها ان شاء الله ابلاغ کنند. ان شاء الله موفق باشید.



(۱) عضو شورای اجرایی کنگره

(۲) اشاره‌ی عضو شورای اجرایی کنگره به وجود ۷۰۰ دانش آموز شهید، ۷۰ معلم شهید، ۲۰۰ پاسدار شهید، ۲۴۰ جهادگر شهید، ۱۱۰ طلبه شهید، شهید منتظری، شهید آیت، شهید کاظمی، شهید صالحی، شهید یزدانی و ... در میان شهدای نجف‌آباد.

**این کنگره با هدف معرفی بیشتر نجف‌آباد و قدردانی از خانواده‌های شهدا و آشنایی دست اندرکاران آینده‌ی نظام اسلامی با فرهنگ ایثار و شهادت، برگزار می‌شود.

**در این دیدار دبیر کنگره فهرست فعالیتهای انجام شده، شامل: جمع‌آوری آثار شهدا و اسناد دفاع مقدس و تهیه‌ی تاریخ شفاهی لشکر هشت نجف اشرف به عنوان مستندات دفاع مقدس برای تولیدات فرهنگی و هنری و آثار داستانی، برنامه‌ریزی برای تولید و چاپ چهل عنوان کتاب تا پیش از گشایش کنگره، برنامه‌ریزی برای تولید اولین بخش تاریخ شفاهی لشکر هشت نجف اشرف همزمان با گشایش کنگره و ادامه‌ی آن، ساخت یادمان شهدا در ورودی گلستان شهدای نجف‌آباد، تهیه‌ی تمثال همه‌ی شهدا برای نصب در معابر شهر، سرکشی به خانواده‌های شهدا و هدیه‌ی یک اثر هنری مزین به تمثال شهید خانواده به آنها، برگزاری یادواره‌های قشری و صنفی و رسته‌ای، برگزاری گردهمایی بزرگ رزمندگان لشکر، برگزاری مسابقات و جشنواره‌های ورزشی، شبیه‌سازی عملیات کربلای پنج همزمان با گشایش کنگره، ساخت حسینیه‌ی حضرت فاطمه‌ی زهرا (س) برای برگزاری کنگره، برنامه‌ریزی برای تحقیق و پژوهش در زمینه‌ی فرهنگ ایثار و شهادت در دانشگاه‌های نجف‌آباد، را بیان کرد.

** این دیدار در تاریخ ۱۳۹۲/۴/۱۰ در حسینیه امام خمینی (ره) برگزار گردید.



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار پنجم اسفند با مردم نجف آباد

درخشندہ درلوح

عکس: تهران - حسینیه امام خمینی - ۱۳۹۴



ه زرين تاريخ انقلاب



بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين ولعنة الله على اعدائهم اجمعين.

به همه‌ی برادران و خواهران عزیز نجف‌آبادی که حقیقتاً، بی‌ملاحظه و بی‌تعارف نمونه‌ای از مردان و زنان انقلابی، مؤمن، باوفا در تمام دورانیهای انقلاب بوده‌اید و هستید خوشامد عرض میکنم، بخصوص به خانواده‌های معظم شهیدان و علمای محترم و اقشار مختلف عزیزی که تشریف دارید. آنچه جناب آقای حسنینی درباره‌ی نجف‌آباد گفتند (۱)، به‌طور کامل مورد تصدیق و تأیید اینجانب است؛ بنده هم حقیقتاً شهادت میدهم که مردم نجف‌آباد امتیازی بر بسیاری از مناطق کشور دارند؛ در صداقتشان، در وفاداری‌شان، در سابقه‌شان نسبت به انقلاب. آن‌وقتی که مبارزات اسلامی و نهضت اسلامی در غربت بود، نجف‌آباد محل شکوفایی تفکرات این مبارزات بود. بنده در همان دوران -سالهای پیش از انقلاب- آدمم و از نزدیک نجف‌آباد را دیدم و شور مردم، شعور مردم، حضور مردم و فهمشان از مسائل انقلاب را؛ همه‌ی قشرها؛ نه فقط قشر جوان آن روز یا قشر روشنفکر آن روز؛ با بعضی افراد روستایی و عامی هم انسان وقتی در [باره‌ی] مسائل انقلاب حرف میزد، میدید روشندل، آگاهند، پایبندند. رحمت خدا بر آن کسانی که در این راه زحمت کشیدند، تلاش کردند، مردم را آگاه کردند.





و انقلاب که پیروز شد، نجف آباد باز هم در صفوف مقدم قرار داشت. اشاره کردند به لشکر نجف، شهید کاظمی (۲) و دیگر شهدای این لشکر؛ آن فرماندهان صادق، مؤمن، وفادار، غیور، کارآمد. بنده رفتم لشکر را در منطقه‌ی عملیات در خود جبهه بازدید کردم - بیش از یک بار - نشانه‌های همین خصوصیات بارز را انسان در آنجا هم میدید. ایستادید، ایستادگی کردید، صدق و وفا به خرج دادید، شهید دادید، جانباز دادید؛ اجر شما پیش خداوند محفوظ است؛ نام شما در لوحه‌ی زرین تاریخ انقلاب درخشنده است. راه را باید ادامه بدهید؛ هنوز به آخر منزل نرسیده‌ایم؛ باید همچنان پیش برویم، باید همچنان تلاش کنیم، باید همچنان جهاد کنیم؛ میدانها تفاوت کرده است اما اصل جهاد برقرار است. اگر بتوانیم این امانت را به نسل بعد تحویل بدهیم وظیفه‌مان را انجام داده‌ایم. بحمدالله جوانهای شما فعالند، پُر تلاشند، آگاهند؛ کشور هم مال جوانها است. امیدواریم ان شاءالله خداوند متعال برکات شهدای شما، بزرگان شما، علمای بزرگی را که این شهر تحویل داده است - چه آنهایی که در نجف آباد بودند، چه آنهایی که در اصفهان بودند، چه آنهایی که در مشهد بودند، چه آنهایی که در قم بودند، [یعنی] صادرات عالم و صادرات مجتهد از این شهر پُربركت - برای شما محفوظ بدارد و نتایج این برکات را در کل کشور ببینیم.



من اشاره‌ای هم بکنم به ایام شهادتِ دُرْدانه‌ی اهل بیت، فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی طاهره (سلام‌الله‌علیها) که این روزها بنا بر روایت ۷۵ روز، ایام شهادت آن بزرگوار است. امیرالمؤمنین این روزها با دل شکسته، با سینه‌ی پُر از غم، با عزیزه‌ی خود وداع میکند و ودیعه‌ی گرانبهای پیغمبر را به او برمیگرداند؛ دل امیرالمؤمنین پُر از غم است اما اراده‌ی او و همت او مطلقاً کاستی نگرفته است؛ این درس است برای من و شما. گاهی دل از غم مالا مال میشود - از این قبیل قضایا در زندگی انسان هست؛ چه زندگی فردی، چه زندگی اجتماعی - اما عزم و اراده باید راسخ بماند، گام باید محکم برداشته بشود؛ غمهایی هست که کوه‌ها را میشکند، [ولی] انسانِ مؤمن را نمیتواند بشکند؛ راه را باید ادامه داد.

من امروز به مناسبت اینکه در آستانه‌ی انتخابات هستیم و انتخابات، بسیار مهم است، چند نکته را مایلم در باب انتخابات عرض بکنم.

نکته‌ی اول اهمیت خود این انتخابات است؛ صرفاً این نیست که ما میرویم پای صندوق رأی و یک برگه‌ی رأیی به نام کسی و کسانی می‌اندازیم در صندوق؛ مسئله این است که انتخابات در کشور ما قد برافراشتن ملی است؛ ملت با انتخابات در مقابل دشمن سینه سپر میکند، عرضِ اندام میکند؛ اهمیت انتخابات این است. وقتی دشمن مشاهده میکند که بعد از ۳۷ سال با این همه فشار، با این تحریمهای ظالمانه، با این تبلیغات غرض‌آلود و خباثت‌بار نتوانسته است مانع مردم از بیعت با نظام بشود، عظمت این انقلاب در چشم او هیبت پیدا میکند، ملت ایران عظمت پیدا میکند؛ انقلاب او عظمت پیدا میکند؛ انتخابات این است. انتخابات به معنای حمایت از عزت ملی و استقلال ملی و به معنای ایستادگی ملت ایران است. ببینید، الان آقای حسِناتی درباره‌ی وفاداری و ایستادگی مردم نجف آباد گفتند؛ هم شما در دلتان احساس افتخار کردید، هم این حقیر در دلم احساس افتخار کردم؛ وقتی که وفاداری یک مجموعه و ایستادگی و قدرت عزم و اراده‌ی آنها ظاهر میشود، هر بیننده‌ای، هر شنونده‌ای احساس افتخار میکند؛ انتخابات، نشان دادنِ وفاداری ملت ایران است. یک ملتِ قریب به هشتاد میلیونی در این میدان پُر از دشمن، میدان مین، میدان مقابله‌ها و مبارزه‌های غرض‌آلود و خباثت‌آلود این جور شجاعانه، این جور دلیرانه حضور خودش را اعلام میکند؛ انتخابات این است. ببینید چقدر مهم است! هر که به عزت ایران اسلامی علاقه‌مند است، در این انتخابات باید شرکت کند و میکند؛ حالا ان شاء الله خواهید دید. دنیا روز جمعه خواهد دید که مردم ایران چطور مشتاقانه به سمت انجام وظیفه و احقاق حق - که هم وظیفه است، هم حق است - حرکت میکند. به نظر من این نکته مهم‌ترین نکته‌ای است که در باب انتخابات باید گفت و بنده مکرر عرض کرده‌ام و عرض میکنم؛ اصل انتخابات.

نکته‌ی دوم این است که همچنان که ما ملت ایران در مقابل این انتخابات و در مقابل انتخابات‌ها





در طول این ۳۷ سال حساس بودیم، بدخواهان ملت ایران هم همین جور حساس بودند؛ آنها هم با ترفندهای مختلف میخواستند یک ایرادی بر این انتخابات‌ها وارد کنند؛ انواع و اقسام ترفندها: یک مدتی سعی میکردند بگویند انتخابات دروغ است، اصلاً انتخابات در ایران نیست؛ که خب، جلوی چشم همه، انتخابات بود؛ تبلیغات آن سالهای اول این جوری بود. یک مدتی سعی کردند که با تبلیغات، صریحاً مردم را از رفتن پای صندوق بازدارند؛ حتی در یک دوره‌ای از انتخابات، رئیس‌جمهور آمریکا دو سه روز به انتخابات، صریحاً خطاب به ملت ایران گفت نروید رأی بدهید! مردم چه کار کردند؟ لج کردند، آن دفعه بیشتر از همیشه رأی دادند؛ این هم یک ترفند بود که مردم را با انواع حیل و با تبلیغات مختلف، از رفتن پای صندوق بازدارند. یک ترفند دیگر این بود که به مردم تفهیم بکنند که انتخاب شما فایده‌ای ندارد؛ شما اسم زید را مینویسید، اسم عمرو درمی‌آید؛ اینها را میگفتند، یادتان هست؛ حالا شاید جوان‌ترها یادشان نباشد، ندیده باشند آن روزها را، اما اغلب یادشان هست؛ این را به صورت شعار درمی‌آوردند و میگفتند؛ متأسفانه یک عده غافل هم در داخل کشور با آنها هم‌نوایی میکردند؛ یک مدتی هم این جوری میگفتند. هیچ‌کدام از اینها فایده نکرد؛ این ترفندها نتوانست مردم را سست کند؛ فهم مردم و درک مردم از اهمیت قضیه را نتوانست تحت الشعاع قرار بدهد؛ حالا راه‌های دیگری را هم دارند تجربه میکنند. البته دولتمردان آمریکایی به تجربه دریافته‌اند که باید اظهار نظر نکنند؛



هرچه اظهار نظر کنند، مردم عکسش عمل میکنند، لذا این دفعه آنها ساکتند؛ دولتمردهای آمریکایی سکوت کرده‌اند، از ترس، هیچ حرف نمی‌زنند که نبادا یک چیزی بگویند، مردم عکسش عمل کنند، اما ریزه‌خواران خوان استکبار که رفته‌اند آنجا و شده‌اند نان‌خور دولت آمریکا و دولت انگلیس، اینها مشغولند؛ در رادیوها، در رسانه‌های گوناگون، رسانه‌های دنیای مجازی و اینترنت و امثال اینها شب و روز مشغولند. یکی از کارها این است که نظرسنجی‌های دروغین پخش کنند و از این نظرسنجی‌ها نتیجه بگیرند که مردم علاقه‌ای به انتخابات ندارند.

یکی از این ترفندهایی که اخیراً یاد گرفته‌اند و دارند اعمال میکنند، ایجاد دوقطبی‌های کاذب است؛ دوقطبی‌های دروغین. این نکته، نکته‌ی مهمی است؛ من یک قدری درباره‌ی این بیشتر صحبت کنم با شما برادران و خواهران عزیز: دوقطبی دروغین.

خب، انتخابات مسابقه است؛ معلوم است در مسابقه همه تلاش میکنند برنده بشوند، همه تلاش میکنند جلو بیفتند؛ طبیعت مسابقه، شور و نشاط و دوندگی و مانند اینها است؛ انتخابات مسابقه است؛ یکی جلو می‌افتد، یکی عقب می‌ماند؛ این دشمنی نیست، این عناد نیست، این دوقطبی شدن نیست. مرتباً در رادیوها و در تلویزیون‌ها و در رسانه‌های گوناگون نشان خبر از دوقطبی شدن ملت ایران - یعنی دودستگی‌ای که با همدیگر دشمنند و علیه هم تلاش میکنند - میدهند. بله، در ایران اسلامی یک

دوقطبی‌ای وجود دارد؛ دوقطبی انقلاب و استکبار. آن کسانی که تفاله‌های بازمانده‌ی از دوران غلبه‌ی استکبارند و هرکسی که دنبال آنها است، همفکر آنها است، بله، اینها با انقلاب بدند؛ این دوقطبی هست اما قاطبه‌ی ملت ایران، قاطبه‌ی انقلابی، علاقه‌مند به نظام اسلامی، عاشق امام و خاطرات امام -آنهايي که امام را حتی یک لحظه هم ندیدند و بعد از رحلت امام به دنیا آمدند- و فرمایشات امام، صدای امام، توصیه‌های امام و اصولی که امام پایه‌گذاری کرده [هستند]؛ قاطبه‌ی ملت ایران به اینها علاقه‌مندند؛ بله، [بین] آن کسانی که به امام علاقه‌مندند، به انقلاب علاقه‌مندند، با کسانی که اصل انقلاب را قبول ندارند، اصل نظام را قبول ندارند، البته یک دوقطبی این‌جوری هست. من البته به آنهايي که حتی نظام را هم قبول ندارند، گفتم ایران را که قبول دارید؛ [پس] برای عزت ایران بیايد؛ حالا بعضی گوش میکنند و بعضی هم گوش نمیکنند.

الان در این انتخابات، دوقطبی القا میکنند؛ دوقطبی‌های القائی؛ اصلش آنجا است، اینجا هم گاهی تکرار میشود؛ اما کسانی که اطلاع دارند از تبلیغات بیگانه، گوش میکنند، خبر میشوند، میدانند که این مال آنها است. دوقطبی مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی

کأنه در ایران یک عده طرف‌دار مجلس دولتی‌اند، یک عده طرف‌دار مجلس ضد دولتی‌اند؛ نه، ملت ایران نه مجلس دولتی میخواهند، نه مجلس ضد دولتی میخواهند؛ ملت ایران مجلسی میخواهند که به وظایف خودش آشنا باشد؛ بداند که چه بر عهده‌ی او است در قانون اساسی؛ متعهد باشد، متدین باشد، شجاع باشد، مرعوب آمریکا نباشد؛ علاقه‌مند واقعی به پیشرفت کشور باشد، پیشرفت کشور را در تربیت علمی جوانان با استعداد این کشور و این ملت بداند. این جور مجلسی را میخواهند؛ مجلسی که درد مردم را بشناسد، درد کشور را بشناسد، درصدد درمان و علاج آن دردها باشد -قانون‌گذاری یعنی این- مردم این جور مجلسی را میخواهند. مجلس دولتی و مجلس ضد دولتی یعنی چه! اینها دوقطبی‌های کاذب است. شما با یکایک ملت ایران تماس بگیرید و بگویید آیا شما مجلسی میخواهید که دردهای کشور را، مشکلات کشور را، مشکلات مردم را بشناسد و بخواهد آن را حل کند یا مجلسی که طرف‌دار زید یا عمرو باشد. جواب چیست از طرف مردم؟ معلوم است که مردم آن اولی را میخواهند؛ برای مردم این مهم است؛ مجلس متدین، مجلس متعهد، مجلس شجاع، مجلس فریب‌نخور که فریب ترفند دشمن را نخورد؛ مجلسی که به عزت ملی و استقلال ملی اهمیت بدهد و عزت ملی را پایمال نکند، استقلال ملی را پایمال نکند؛ بایستد در مقابل طمع‌ورزی و زیاده‌خواهی استکبار، در مقابل طمع‌ورزی قدرتهایی که دستشان از ایران کوتاه شده و دارند تلاش میکنند که دوباره برگردند و زمام قدرت را در این کشور در دست بگیرند؛ این جور مجلسی. مسئله‌ی اقتصاد درون‌زا را ما مطرح کردیم؛ مردم مجلسی میخواهند





که برای اقتصاد درون‌زا، به معنای واقعی کلمه وقت‌گذاری کند، ریل‌گذاری کند و دولت موظف بشود بر اساس این حرکت بکند؛ آنچه مردم می‌خواهند اینها است.

یک نکته‌ی دیگر این است که بنده از چندی پیش گفتم مراقب نفوذی‌ها باشید؛ بعضی‌ها بیخود، برآشفته شدند؛ برآشفته‌گی ندارد. آمریکایی‌ها برای بعد از دوران مذاکرات هسته‌ای، یک نقشه برای داخل ایران داشتند، یک نقشه برای منطقه. این برای ما روشن بود و روشن شد. نقشه برای ایران داشتند، هنوز هم دارند؛ نقشه برای منطقه داشتند، هنوز هم دارند؛ دارند تلاش هم میکنند؛ میدانند که در مقابل اهداف پلید آنها در منطقه چه کسی محکم ایستاده؛ این را هم میدانند و متوجهند. خب، وقتی که دشمن برای داخل کشور برنامه دارد، چه کار میکند؟ از نفوذی استفاده میکند. معنای نفوذی





این نیست که حتماً رفته باشد پول گرفته باشد برای اینکه بیاید در فلان دستگاه نفوذ کند و خودش هم بداند چه کار دارد میکند؛ نه، گاهی نفوذی، نفوذی است، خودش هم نمیداند! امام (رضوان الله علیه) فرمودند گاهی حرف دشمن با چند واسطه از دهان مردمان موجه شنیده میشود. امام هوشیار بود، امام مجرب بود. دشمن یک چیزی میگوید، یک چیزی میخواهد، این را با وسایل گوناگونی، با چند واسطه کاری میکند که از زبان فلان آدم موجه که نه پولی از دشمن گرفته، نه تعهدی به دشمن داده، بیرون بیاید. مگر ندیدیم اینها را؟ مگر تجربه نکردیم اینها را؟ در همین مجلس شورای اسلامی مگر ندیدیم که یک نماینده‌ای آمد نظام را متهم کرد به دروغ‌گویی! گفت ما ده سال است، سیزده سال است داریم به دنیا دروغ میگوییم، در تربیون مجلس شورای اسلامی! در این منبر عمومی! خب، او حرف دشمن را



دارد میزند؛ دشمن به ما میگفت شما دروغ میگویید! حالا یکی از خود ما پیدا میشود میگوید نظام دارد دروغ میگوید! این نفوذی نیست؟ احياناً خودش هم خبر ندارد و نمیداند. مجلسی داشتیم که در حال مذاکرات گرم دشوار هسته‌ای در دورانی که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما رئیس مذاکرات هسته‌ای بود و داشتند با زحمت، با شدت حرف میزدند، با طرفهای مقابل مجادله میکردند و درواقع مبارزه میکردند برای اینکه حرف ایران را سبز کنند، در مجلس طرح سه فوریتی آوردند برای اینکه حرف طرف مقابل سبز بشود! همان وقت رئیس هیئت مذاکره که رئیس‌جمهور محترم فعلی ما است، گلایه کرد و گفت ما داریم آنجا مبارزه میکنیم، اینجا آقایان دارند طرح به نفع دشمن طراحی میکنند؛ خب، اینها نفوذ است؛ اینها چیست؟ [مگر] نفوذ شاخ و دم دارد که بعضی تا گفته میشود نفوذ، برآشفته میشوند که آقا، گفتید نفوذ، گفتید نفوذ؟ بله، باید مراقب بود. خب، پس دشمن در فکر نفوذ است؛ چه کسی باید مراقبت بکند؟ هم مردم باید آگاهانه مراقبت بکنند، هم مسئولان، سیاسیون، شخصیت‌های سیاسی؛ آنها بیشتر لازم است مراقب باشند. مراقبت کنند آنچه میداند خواست دشمن است انجام نگیرد. وقتی می‌بینید که دشمن یک حرفی میزند برای ایجاد دودستگی [مثلاً] از شما تعریف میکند، این می‌خواهد ایجاد تردید بکند؛ خب دشمن که دوست شما نیست، وقتی شما می‌بینید که دشمن یک چنین ترفندی را دارد به کار میبرد، بلافاصله و بی‌درنگ ابراز بی‌زاری کنید، بگویید نخواستیم. شما که می‌گویید دشمن با این کار قصد تفرقه افکنی دارد، خب نگذارید ذهن مردم مردم شود. این چیزها را باید توجه داشت. برمیگردیم به فرمایشات امام؛ امام می‌گفتند آن وقتی که دشمن از شما تعریف کرد، در رفتار خودتان و کارهای خودتان تردید پیدا کنید و مراجعه کنید ببینید چه اشتباهی کرده‌اید که دشمن خوشش آمده و از شما تعریف میکند. دستورالعمل انقلاب اینها است، این جوری باید عمل کرد، این جوری باید پیش رفت؛ نباید غفلت کرد. اداره‌ی کشور کار آسانی نیست؛ پیش بردن یک ملت به این بزرگی، با این عظمت و با این رشادت کار یک‌ذره دودزه نیست؛ باید مواظب بود، باید مراقب بود، باید با چشم باز حرکت کرد، باید با عزم راسخ در مقابل دشمن حرکت کرد. این هم یک نکته‌ی مهمی است که عرض کردم.

یک نکته‌ی دیگر این است که ما از ادبیات سیاسی دشمن استفاده نکنیم؛ من این مسئله را، بخصوص به دوستان و برادران محترم خودمان در مشاغل گوناگون سیاسی و دولتی و غیر دولتی و مانند اینها تأکید میکنم؛ از ادبیات دشمن استفاده نکنید. دشمنان انقلاب از روز اول آمدند تعبیر ادبیات تندرو و میانه‌رو را مطرح کردند؛ فلانی تندرو است، فلان جریان تندرو است، فلان جریان میانه‌رو است. آن روز، از همه تندروتر هم از نظر آنها امام بزرگوار بود؛ امروز هم از همه تندروتر، به نظر آنها این بنده‌ی حقیر هستم. میانه‌رو حرف قشنگی است اما اسلام این جوری حرف نمیزند؛ بفهمیم معارف اسلامی را.

اسلام، طرف دار میانه و طرف دار «وسط» است: وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا. (۳) اما «وسط» در اسلام چیست؟ در مقابل تندرو است؟ نه، «وسط» در مقابل منحرف است: أَلْيَمِينُ وَ الشِّمَالُ مَصَلَّةٌ وَ الطَّرِيقُ الْوَسْطَى هِيَ الْجَادَّةُ؛ (۴) این نهج البلاغه است. راه میانه یعنی راه مستقیم، راه جاده. اگر از این راه مستقیم منحرف شدید - چه به این طرف و چه به آن طرف - این غیر میانه است. پس در مقابل میانه رو تندرو نیست؛ در مقابل میانه رو منحرف است. آن کسی میانه رو نیست که منحرف از راه و منحرف از جاده است؛ اما در جاده، بعضی ها تندتر میروند و بعضی ها کندتر میروند. تند رفتن در صراط مستقیم چیز بدی نیست؛ سَابِقُوا إِلَى مَغْفِرَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ؛ (۵) جلوتر بروید. آنهایی که امروز در بیرون از مرزهای کشور میگویند تندرو، مقصودی دارند و معنایی مورد نظرشان است. دوستان ما و برادران ما در داخل مراقب باشند آنچه مقصود او است تکرار نکنند. آنهایی که میگویند تندرو، منظورشان کسانی است که در راه انقلاب مصمم تر و پایدارترند؛ حزب اللهی ها را میگویند تندرو. میانه رو [هم] کسی است که در مقابل آنها تسلیم باشد. در ادبیات سیاسی آمریکا و انگلیس و امثال اینها، معنای تندرو و میانه رو این است: تندرو کسی است که پایبند انقلاب است، میانه رو کسی است که در مقابل خواسته های آنها تسلیم است. حالا چه کسی در مقابل آنها تسلیم است؟ خوشبختانه خودشان هم اعتراف دارند و میگویند در ایران میانه رو نداریم، همه تندروند. این حرف حرف درستی است؛ در ملت ایران هیچ کس طرف دار وابستگی به اینها نیست. گاهی غفلت میشود، لغزش به وجود می آید و بعضی اشتباه میکنند، اما قاطبه ی ملت ایران طرف دار انقلابند، دنباله رو انقلابند و پافشاری بر انقلاب میکنند؛ آنها به این میگویند تندرو. چرا ما تکرار کنیم حرف آنها را؟ به داعش هم میگویند تندرو؛ داعش تندرو است؟ داعش منحرف است؛ منحرف از اسلام است، منحرف از قرآن است، منحرف از صراط مستقیم است. ما به این معنا تندرو نداریم. توجه کنند ادبیاتی که دشمن به کار میبرد و معنای خاصی را که در نظر دارد ما تکرار نکنیم.

من یک نکته ی دیگر هم عرض بکنم که نکته ی آخر باشد. برادران عزیز، خواهران عزیز، فرزندان عزیز من، جوانان! هرچه انتخاب کنید برای خودتان انتخاب کرده اید. انتخاب خوب شما به خود شما برمیگردد؛ اگر انتخاب با غفلت انجام بدهید که انتخاب بدی از آب دربیاید و از کار دربیاید، بدی اش به شما برمیگردد؛ خاصیت کار این است. با اختیار و با اراده دارید یک اقدامی را انجام میدهید، سعی کنید کار را درست انجام بدهید. اگر درست و با دقت انجام دادید، دو فایده میبیرد: اولاً خدای متعال از شما راضی میشود که کار را درست انجام داده اید؛ ثانیاً نتیجه ی کار به احتمال زیاد نتیجه ی درست خواهد بود. اگر چنانچه کار را با ملاحظه و با دقت انجام بدهیم، ممکن هم هست یک وقتی نتیجه خوب از آب درنیاید اما آن اجر اولی وجود دارد؛ وقتی کار را شما با دقت و با بصیرت انجام دادید، خدای متعال



از شما قبول میکند، ولو یک اشتباهی هم انسان در اثنا کرده باشد؛ اما اگر بی‌دقت انجام دادید، نه؛ خدای متعال هم ناراضی میشود، احتمال مصادف شدن با حق هم کم میشود. انتخاب که میخواهید بکنید، بشناسید و انتخاب کنید؛ بشناسید. به دینشان، به تعهدشان، به وفاداریشان به انقلاب، به ایستادگیشان در راه انقلاب، به عزم و ارادهشان، به شجاعتشان و به مرعوب نشدنشان خاطر جمع بشوید، [آن وقت] رأی بدهید؛ چه در انتخابات مجلس شورای اسلامی، چه در انتخابات مجلس خبرگان؛ فرقی نمیکند، هر دو مهم است، که من قبلاً درباره‌ی اهمیت هر دو صحبت کرده‌ام. آنجایی هم که نمی‌شناسید، نگوئید من نمی‌شناسم پس رأی نمیدهم؛ نه، بروید سراغ کسانی که به دین آنها، به تعهد آنها و به بصیرت آنها اطمینان دارید، از آنها سؤال کنید؛ این راه علاج است. بنابراین، راه روشن است، هدف روشن است، وظیفه و تکلیف روشن است، کار هم بزرگ است. و وقتی انسان کار بزرگ را و کار خدایی را درست انجام داد، **إِنْ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ**؛ (۶) وقتی شما در راه نصرت الهی قدم زدید، خدای متعال قطعاً شما را نصرت خواهد کرد. در آن صورت، نتیجه‌ی انتخابات نتیجه‌ای خواهد بود که ان شاء الله به نفع کشور است هرچه باشد. و بدانید من اعتقاد راسخ دارم با همه‌ی تلاشی که دشمن دارد می‌کند - که در این ۳۷ سال، دشمن دائماً تلاش کرده است - برای ضربه زدن به انقلاب، و انقلاب و کشور دائماً به رغم آنف او (۷) پیش رفته است، بدانید بعد از این هم خدای متعال پیروزی نهایی را برای شما ملت ایران و برای این کشور مقدر فرموده است و ان شاء الله شما به نتیجه خواهید رسید و خدای متعال دشمنان شما را مغلوب خواهد کرد و به فضل الهی دشمن نخواهد توانست به این انقلاب و به این نظام اسلامی هیچ‌گونه ضربه‌ای وارد کند.

از خداوند متعال علو مقام شهیدان عزیز را و علو مقام امام بزرگوار را که این راه را در مقابل ما گشودند، مسئلت میکنیم و توفیقات ملت ایران را در همه‌ی مسائلشان، بخصوص در این مسئله‌ای که ان شاء الله دو روز بعد با آن مواجه هستند، از پروردگار عالم مسئلت میکنیم.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

(۱) در ابتدای این دیدار، حجت الاسلام مصطفی خسناتی (امام جمعه‌ی نجف آباد) مطالبی بیان کرد.

(۲) شهید احمد کاظمی (فرمانده نیروی زمینی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی)

(۳) سوره ی بقره، بخشی از آیه‌ی ۱۴۳؛ «و بدین‌گونه شما را امتی میانه قرار دادیم ...»

(۴) نهج البلاغه، خطبه‌ی ۱۶

(۵) سوره‌ی حدید، بخشی از آیه‌ی ۲۱؛ «[برای رسیدن] به آمرزشی از پروردگارتان، بر یکدیگر سبقت جویید ...»

(۶) سوره‌ی محمد، بخشی از آیه‌ی ۷

(۷) برخلاف میل و خواسته‌ی او

عکس: جزیره مجنون - اسفند ۱۳۶۲



مقاومت تاغ



روب پنجم اسفند



نگاهی به عملیات خیبر

در سومین سال جنگ، جبهه‌ها به دلایل مختلف حالت رکود گرفته بود و علی‌رغم چندین عملیات کوچک و متوسط ایران در غرب، برخی همسو با دشمن ادعای به بن‌بست رسیدن ایران و لزوم توقف هر چه سریع‌تر جنگ را مطرح می‌کردند.

بعد از انجام عملیات‌های موفق‌ی مانند ثامن‌الائمه، طریق‌القدس، فتح‌المبین و الی‌بیت‌المقدس، انتظار افکار عمومی و حتی رزمندگان ایران بالا رفته و همه منتظر عملیاتی به مراتب بزرگ‌تر از آزادسازی خرمشهر بودند. انتظاری که در عملیات‌های رمضان و والفجر مقدماتی با وجود تمامی فداکاری‌ها و تلاش‌ها محقق نشده بود و برخی دلیل آن را شناخته شدن تکنیک‌های ایران و اقدامات عراق در رفع نقاط ضعفش می‌دانستند.

به همین دلیل، فرماندهی ارشد سپاه از اوایل سال ۶۱، شناسایی منطقه عملیاتی خیبر را توسط قرارگاه سری نصرت، به فرماندهی شهید علی هاشمی شروع می‌کند. این منطقه از لحاظ موقعیت جغرافیایی در شمال بصره واقع شده و از شمال به العزیز و روستاهای البیضه و الصخره، از جنوب به



نشوه و طلاييه، از غرب به جاده العماره بصره و از شرق به حاشيه ساحلي هورالهوريزه، نزديك جاده سوسنگرد به طلاييه، منتهي مي شود.

هورالهوريزه زمين پست ۵۰۰۰ كيلومتر مربعي است كه با آب رودخانه هاي كرخه در ايران و دويرج و طيب عراق تغذيه شده و هر كدام از همسايگان بر حدود نيمي از آن مالك هستند. اين منطقه خاص در حدود صد كيلومتر از حدود هزار و چهارصد كيلومتر مرز مشترك ايران با عراق را به خود اختصاص داده و رودخانه دجله نيز از ميان آن مي گذرد. عراق جهت برداشت نفت، بخشي از هور را خشك كرده كه اين امر جزاير مجنون شمالي به مساحت تقريبي ۵۵ كيلومتر مربع و مجنون جنوبي با مساحت ۱۳۵ كيلومتر مربع را ايجاد مي كند. اطراف اين جزاير كه مهم ترين نقاط هور محسوب مي شوند، سيل بندهايي براي جلوگيري از طغيان رودخانه و غرق شدن منطقه احداث و در داخل جزاير نيز جاده هايي با ارتفاع سه و عرض ۶ متر جهت تردد سريع تر به نقاط مختلف تعبيه شده بود. احمد كاظمي در مورد اهميت منطقه عمليات مي گويد: «از نظر سوق الجيشي، دو استان عراق خيلي براي ما مهم بودند؛ بصره و ميسان. اگر اين گلوگاه ها به دست ما مي افتادند، مي توانستيم

خیلی برای رژیم عراق خطرناک‌تر باشیم. منطقه، منطقه‌ی نوینی بود، منطقه‌ی بکری بود و جنگ نوینی هم می‌طلبید. تاکتیک نوینی را هم می‌طلبید، چون این سرزمین با جاهایی که ما در گذشته جنگیده بودیم، کاملاً فرق می‌کرد؛ یک منطقه‌ی برخوردار از عقبه‌ی آبی و مشکل‌دار که در نهایت ما را به هدفی بزرگ می‌رساند. هدف حساسی که برای دشمن خیلی شکننده بود و استمرار عملیات می‌توانست ادامه‌ی جنگ را به شکلی که نفع ما در آن باشد و بتوانیم به اهداف مان برسیم، تغییر دهد».

طرح کلی عملیات خیبر

عملیات خیبر، دو محور اصلی داشت. یکی در هورالهوریزه با مسئولیت سپاه در قالب قرارگاه «نجف» با فرماندهی محسن رضایی و یکی پاسگاه زید در شمال شلمچه با فرماندهی علی صیاد شیرازی که ارتش با عنوان قرارگاه «کربلا» مسئولیت آن را بر عهده داشت؛ البته عملیات اصلی و تعیین‌کننده، در هورانجام می‌شد.

در قرارگاه کربلا، سه یگان از نیروی زمینی سپاه شامل لشکر پیاده ۱۴ امام حسین، لشکر ۷ ولی عصر و تیپ زرهی ۷۲ محرم در کنار چند لشکر از ارتش شامل لشکر ۷۷ پیاده ثامن‌الائمه، لشکر ۲۱ پیاده حمزه‌سیدالشهداء، لشکر ۲۸ پیاده کردستان، لشکر ۸۱ زرهی کرمانشاه، لشکر زرهی ۱۶ قزوین و تیپ ۸۴ پیاده مستقل خرم‌آباد حضور داشتند.

در محور زید، یگان‌های تحت امر قرارگاه کربلا پس از عبور از خط و چندین کیلومتر پیشروی، باید در حوالی نشوه با یگان‌های سپاه الحاق کرده و برای مرحله‌ی بعدی عملیات آماده می‌شدند.

در هور که دارای ۵ هدف اصلی العزیر، القرنه، جزایر مجنون، نشوه و طلاویه بود، پنج قرارگاه فرعی در نظر گرفته شد. قرارگاه نصر در شمالی‌ترین محور عملیات، با فرماندهی مرتضی قربانی و با مشارکت لشکر ۵ نصر و تیپ ۱۵ آبی‌خاکی امام حسن، وظیفه‌ی تصرف و تثبیت محور العزیر را داشتند. این نیروها بایستی ضمن مسدود کردن جاده‌ی استراتژیک العماره‌بصره و تامین جناح شمالی عملیات، مانع از نفوذ دشمن به جنوب این محور شوند.

قرارگاه حدید نیز با فرماندهی امین شریعتی و با مشارکت تیپ ۴۴ قمرینی‌هاشم و تیپ ۲۱ امام‌رضا، وظیفه داشت سه‌راهی القرنه را در محور میانی عملیات تصرف کند. ۲ قرارگاه نیز کارشان را از جزایر مجنون شروع می‌کردند. یکی قرارگاه حنین با فرماندهی عزیز جعفری که وظیفه داشت نیمه‌ی شرقی جزیره‌ی شمالی و در ادامه نیمه‌ی شرقی جزیره‌ی جنوبی را با مشارکت لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب، لشکر ۴ ثارالله و تیپ مستقل ۱۰ سیدالشهداء تصرف کرده و با خروج از پل موجود در گوشه‌ی جنوب شرقی جزیره‌ی جنوبی، به سمت طلاویه حرکت کرده و با قرارگاه فتح الحاق کند. در قرارگاه فتح، محمدابراهیم





همت فرماندهی می‌کرد و باید خط مستحکم طلائی را می‌شکست و جلو می‌آمد. همت با شکستن این خط، در واقع مسیر زمینی پشتیبانی از جزایر و مناطق میانی و شمالی عملیات را باز می‌کرد. بدون باز شدن این مسیر، اجرای ماموریت قرارگاه بدر نیز با مشکلات اساسی مواجه می‌شد. در قرارگاه فتح، لشکر ۲۷ محمد رسول‌الله، تیپ ۱۸ الغدیر، تیپ ۲۰ رمضان و تیپ ۲۸ صفر حضور داشتند و لشکر ۹۲ زرهی اهواز نیز به عنوان یگانی از ارتش، در حالت احتیاط در نظر گرفته شده بود.

بدر، دومین قرارگاهی بود که در جزایر عمل می‌کرد و وظیفه داشت بعد از تصرف و پاک‌سازی نیمه غربی جزایر شمالی و جنوبی، به سمت نشوه و از آن‌جا به طرف دوئیجی و الحاق با یگان‌های ارتش، پیشروی کند. در این قرارگاه که احمد غلامپور فرماندهی‌اش را بر عهده داشت، لشکر ۸ نجف‌اشرف، لشکر ۳۱ عاشورا و لشکر ۱۹ فجر حضور داشتند.

برای ترابری دریایی و پشتیبانی از یگان‌های عمل‌کننده در هور نیز قرارگاه نوح با فرماندهی حسین علایی در نظر گرفته شده بود و در کنار آن، هوانیروز ارتش وظیفه پیدا کرده بود بخشی از روند عبور نیرو و امکانات از هور را انجام دهد.

ماموریت لشکر ۸ نجف در عملیات خیبر

لشکر ۸ نجف‌اشرف، در عملیات خیبر وظیفه داشت نیمه غربی جزیره شمالی را تصرف کرده و هم‌زمان با کمک لشکر ۳۱ عاشورا، نیمه غربی جزیره جنوبی را هم تصرف و پاک‌سازی کند. در جزیره شمالی، لشکر ۱۷ علی‌ابن‌ابی‌طالب نیمه شرقی جزیره را تصرف می‌کرد و در جزیره جنوبی هم، لشکر ۱۷ به کمک تیپ ۱۰ سیدالشهداء، کار تصرف نیمه شرقی را انجام می‌دادند.

لشکرهای ۸ و ۳۱، در ادامه عملیات می‌بایستی از پل سوئیب خارج شده و ضمن انهدام نیرو و تجهیزات دشمن در منطقه، به سمت جنوب و جنوب غربی جزایر پیشروی کرده و پل‌های نشوه را تصرف کنند تا عراق امکان نفوذ به منطقه از این قسمت را نداشته باشد. در ادامه و در صورت فراهم بودن شرایط، پیشروی این لشکرها بایستی به سمت پایین و الحاق با نیروهای ارتش، ادامه پیدا می‌کرد.

بر طبق همین ماموریت، لشکر ۸ با ۲ گردان خط‌شکن کارش را شروع می‌کرد؛ گردان طفلان مسلم که در جزیره شمالی پیاده شده و نیمه غربی این جزیره را پاک‌سازی می‌کرد و گردان ثامن‌الائمه که در حوالی پل سوئیب پیاده شده و با کمک نیروهای لشکر ۳۱، تصرف نیمه غربی جزیره جنوبی و تصرف محدوده پل را انجام می‌دادند. بعد از این مرحله، ۲ گردان دیگر از لشکر ۸ به کمک ۲ گردان از



لشکر ۳۱، بایستی با عبور از پل سوئیب، به سمت نشوه حرکت کرده و این نقطه را تصرف می‌کردند. بلافاصله نیز ۲ گردان دیگر از لشکر ۸، به دنبال گردان‌های اولیه حرکت کرده و به نوعی الحاق آن‌ها با جزایر را بر عهده می‌گرفتند. این الحاق، نوعی حمایت از این نیروها در برابر حملات احتمالی نیروهای دشمن از جناح چپ و راست نیز محسوب می‌شد.

ماموریت بی‌بازگشت ۴ گردان

عصر چهارمین روز اسفند، فرماندهان سپاه با توجه به شرایط پیش آمده ماموریت جدیدی را برای ۲ گردان از لشکر ۸ و ۲ گردان لشکر ۳۱ تعیین می‌کنند؛ این ۱۲۰۰ نیرو بایستی از تنها نقطه ارتباط جزایر با خشکی واقع در جنوب آن‌ها خارج شده و پس از انهدام نیروها و مواضع دشمن، خود را پس از نزدیک به ۴۰ کیلومتر پیاده‌روی به پل طلائیہ برسانند. قرار بود لشکر ۲۷ حضرت رسول و تعداد دیگری از یگان‌ها هم از طرف دیگر به این خط زده تا مسیر پشتیبانی زمینی جزایر باز شود. نیروها به عمق مواضع عراق که وارد می‌شوند، با مقاومت‌های نسبتاً پراکنده‌ای مواجه شده و



پس از رسیدن به جاده آسفالت‌نشوده طلائیه، ضمن ادامه مسیر به سمت هدف اصلی تعدادی از خودروهای در حال تردد عراق بر روی جاده را به آتش می‌کشند؛ اقدامی که دشمن را کاملاً هوشیار می‌کند. دقایقی بعد نیز هواپیمای ملخی عراق، با ریختن منوره‌های خوشه‌ای کل منطقه را برای دقایقی روشن می‌کند.

بچه‌ها حدود یک هفته بود که استراحت درست و حسابی نکرده بودند، کوچک‌ترین توقفی در حرکت ستون‌ها عده زیادی را به خواب می‌برد. نیروها، نرسیده به پل طلائیه با تانک‌هایی مواجه می‌شوند که خدمه‌شان زیر تانک‌ها مخفی شده بودند؛ مشخص بود که عراق تلاش دارد این گردان‌ها را محاصره کند.

حماسه تیربارچی در جهنم طلائیه

نزدیک پل طلائیه، شلیک اولین آرپی‌جی از سمت نیروهای ۴ گردان، جهنمی از انواع گلوله‌های سبک، نیمه سنگین و سنگین عراق به پا می‌کند؛ جهنمی که خواب را از سر همه نیروها می‌پراند. در آن محاصره





اولین واکنش طبیعی نیروها دراز کشیدن روی زمین بود ولی وقتی می‌بینند از فاصله ۱۰ سانتیمتری زمین تا ارتفاع یک نیروی ایستاده را به شدت می‌زنند، تصمیم دیگری می‌گیرند. چند تایی آربی جی زن بلند شده و تانک‌ها و سنگرهای تیربار عراقی‌ها را هدف می‌گیرند.

سمت راست جاده امکان بهتری برای عبور نیروها از پل‌های طلائی و نجات از قتل عام داشت ولی عراق روی جاده را هم بسته بود. در این میان یکی از تیربارچی‌های لشکر ۳۱ عاشورا می‌رود روی جاده و تا آخرین فشنگ نوارش را شلیک کرد. در آن تاریکی به خوبی کاروانی از گلوله‌های کالیبر سنگین و سبک که از بدن تیربارچی خارج می‌شد، دیده می‌شد ولی او تا آخرین گلوله می‌ایستد.

نیروها تا این جای کار به مأموریت خود عمل کرده بودند. با عبور نیروها از پل اصلی طلائی هوا هم به تدریج در حال روشن شدن است. عراق بعد از پل، دارای پاسگاهی است که تصرف آن می‌توانست جان نیروها را تا مدتی حفظ کند. عده‌ای از نیروها که روی جاده به آن سمت می‌روند، در میانه راه زمین‌گیر شده و تعدادی هم در کانال‌های حفر شده موازی با خطوط مرزی سنگر می‌گیرند.

مقاومت تا غروب پنجم اسفند

نیروهای روی جاده بدون داشتن جان‌پناهی تا آخرین لحظه مقاومت کرده و تعداد زیادی شهید و زخمی می‌دهند ولی در نهایت باقی مانده آن‌ها مجبور به اسارت می‌شوند. البته در همان لحظات آخر هم یکی دو نفر با نارنجک‌هایی در دست به نشانه تسلیم به سمت عراقی‌ها رفته و خود را در میان آن‌ها منفجر کردند. زخمی‌هایی که امکان حرکت نداشتند را کسی اسیر نکرد؛ همان‌جا تیر خلاص می‌زدند.

در این میان، تعدادی از نیروهای ۴ گردان، دو تا سه تانک، یک توپ ضد هوایی تک لول و یک خمپاره ۶۰ را غنیمت گرفته و مشغول مقابله با حملات سنگین عراقی‌ها هستند. با وجود این تجهیزات، بالگردهای عراقی نزدیک نمی‌شدند ولی به محض انهدام این ادوات، از هوا و زمین آن‌قدر کانال‌ها را با آتش تانک، خمپاره و موشک بالگرد می‌کوبند که پیکر شهدا و زخمی‌ها همان‌جا برای سال‌ها مدفون می‌شوند.

بالگرد عراقی خیلی راحت بالای سر باقیمانده نیروها پرواز کرده و با کالیبر و راکت نیروها را می‌زند. چند بالگرد هم از فاصله‌ای دورتر، کانال‌های محل حضور نیروها را با راکت می‌زدند. کالیبر سنگین نفربر، گلوله مستقیم تانک، چهار لول، دو لول و حتی تک لول‌های ویژه ضد هوایی روی نیروها آتش می‌ریختند. تا حوالی ظهر پنجم اسفند از مجموع ۱۲۰۰ نیروی چهار گردان اعزام شده، فقط چند ده نفر باقی می‌مانند که به امید نجات از این مهلکه خود را به کانال دومی عمود بر محل استقرار اولیه می‌رسانند.





یکی از نیروهای حاضر در این ماموریت، در آخرین دقایق زندگی‌اش می‌گوید: «اگر پیش امام رفتید، به ایشان بگویید من و بقیه نیروها تا آخرین لحظه مقاومت کردیم». آخرین نیروها نیز در این نقطه شهید و یا اسیر می‌شوند ولی در این میان نزدیک به ۲۰ نفر تلاش می‌کنند در پوشش تاریکی شب خود را به خط ایران برسانند ولی نهایتاً دو روز بعد در آستانه رسیدن به نیروهای خودی مستقر در خط طلاییه، اسیر می‌شوند.

۳۹۳ شهید در یک روز

روز پنجم اسفند ۶۲، ۳۹۳ شهید داشته که بخش عمده آن‌ها مربوط به شهرستان‌های نجف‌آباد و فلاورجان بوده‌اند و بقیه از شهرهای دیگری مانند اصفهان، کاشان و خمینی‌شهر محسوب می‌شوند. مطابق اخبار مربوط به ویژه برنامه‌های برگزار شده در نجف‌آباد به مناسبت ۵ اسفند که به عنوان روز «حماسه و ایثار مردم نجف‌آباد» نیز نام‌گذاری شده، طی عملیات خیبر نزدیک به دویست رزمنده از این



شهرستان در یک روز به شهادت رسیده‌اند.

بیشتر شهدای حماسه پنجم اسفند را نیروهای ۱۴ تا ۲۳ سال تشکیل می‌دادند و پیکر تمامی آن‌ها، سال‌ها بعد از عملیات خیبر و طی تفحص‌های متعدد کشف و خاکسپاری شد. تنها بازماندگان این ماموریت بی‌بازگشت، آزادگانی بودند که حدود ۷ سال بعد به کشور بازگشتند.

طی این ماموریت، یکی از منحصر به فردترین شهادت‌های تاریخ دفاع مقدس به ثبت می‌رسد؛ ۳ برادر در طول ۲۴ ساعت به شهادت رسیده و پیکر هر سه، سال‌ها بعد طی تفحص به کشور بازگردانده می‌شود. ساعاتی قبل از اعزام ۴ گردان، نجفعلی کریمی فرمانده یکی از گردان‌های خط‌شکن لشکر ۸ نجف از روستای هوره منطقه فلاورجان به شهادت می‌رسد و دو برادرش قدرت‌الله و ولی‌الله نیز در ماموریت پنجم اسفند به شهادت می‌رسند.

در پنجم اسفند ۹۴ و در آستانه انتخابات مجلس دهم، مردم شهرستان نجف‌آباد به مناسبت همین روز، دیداری تاریخی با مقام معظم رهبری داشتند.





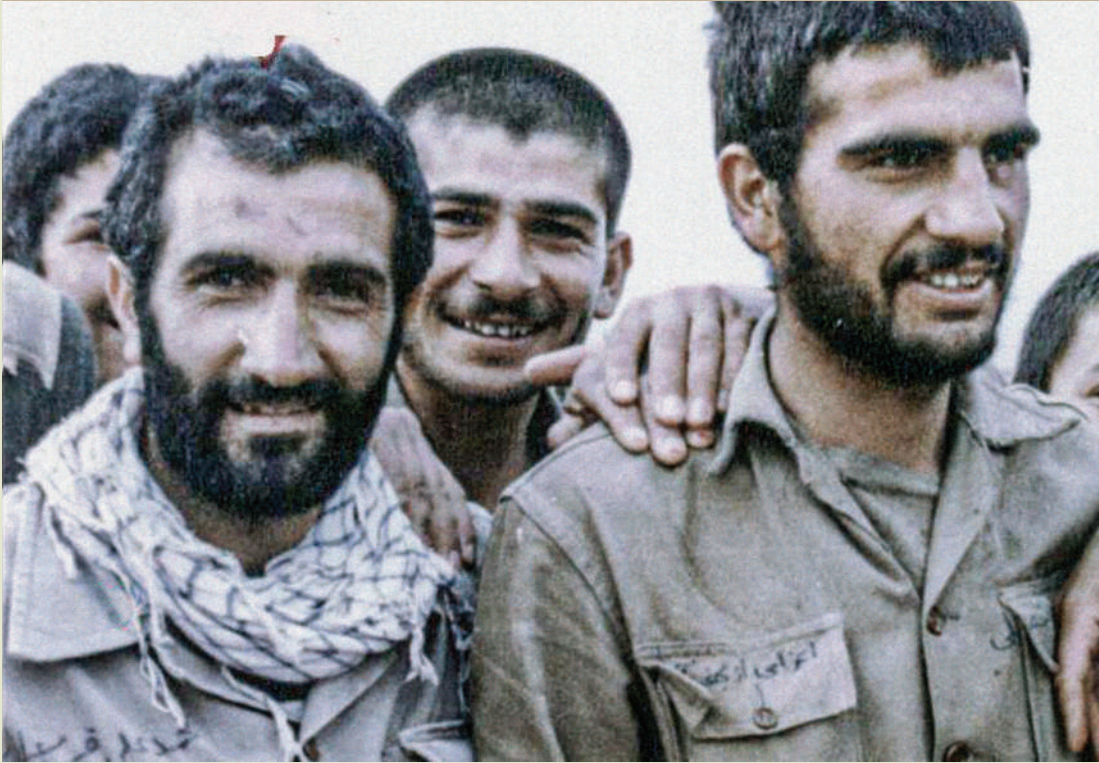


حماسه لشکر ۸ در حفظ جزایر مجنون

در ادامه عملیات، فشارهای عراق دیگر یگان‌های ایران را از مناطق تصرف شده در شمال جزایر عقب می‌راند و جزایر مجنون به نوعی، به عنوان تنها دستاورد اولین عملیات آبی‌خاکی ایران، مورد توجه دو طرف نبرد قرار می‌گیرد. عراق، تمامی عده و غده‌اش را برای تصرف مجدد جزایر، پای کار می‌آورد.

بعد از اتفاقی که برای ۴ گردان می‌افتد، لشکر ۸ نجف‌اشرف در کنار لشکر ۳۱ با وجود صدمات شدیدی که دیده بود، تا چندین روز در خط پدافندی جزیره جنوبی و پل سوئیب به عنوان ورودی اصلی این جزایر، مقاومت کرده و مانع از تصرف مجدد جزایر می‌شوند. در این میان، پیام حضرت امام خمینی ره در خصوص لزوم حفظ جزایر، جان تازه‌ای به مدافعان جزایر می‌دهد. در ادامه نیز، تعداد دیگری از یگان‌های سپاه وارد جزایر شده و به حفظ این دستاورد کمک می‌کنند.

یکی از نیروهای لشکر که یک هفته در خط پدافندی حضور داشته، می‌گوید: «در این هفت شبانه‌روز، تمام فکر و ذکر نیروها این بود که حرف امام شهید نشود و جزایر سقوط نکنند. بیشترمان در این مدت خواب و خوراک درست و حسابی نداشتیم و اکثر نمازها را با پوتین خواندیم».



شدت آتش به حدی زیاد است که تقریباً هیچ جای سالمی در جزایر باقی نمانده و برخی معتقدند عراق در عملیات خیبر به اندازه مهماتی که در ۲ سال گذشته مصرف کرده بود، در جزایر ریخت و پاش کرد. از نظر برخی رزمندگان، خاک جزایر اول بار بکر بود ولی بعد از یک هفته، می شود عین زمینی که چهار، پنج بار شخم خورده است.

یکی از اسرای عراقی می گوید: «آن قدر با گلوله تانک و توپ خاکریز شما را زدیم که از ارتفاع دو متری اش، فقط نیم متر باقی مانده بود ولی باز هم صدای کلاش می آمد. تصور می کردیم شاید این نیروها از زمین بالا می آیند که تمام نمی شوند!» برخی برآورد کرده اند حجم آتش عراق در بخشی از این عملیات به مرز سه میلیون انواع گلوله در یک مساحت محدود نیز رسیده است.

در نهایت و بعد از چندین هفته نبرد فوق العاده سنگین و حماسی، خط پدافندی ایران در جزایر مجنون در نیمه دوم اسفند ۶۲ تثبیت می شود.

محسن رضایی فرمانده وقت سپاه، در توصیف این عملیات می گوید: «در طول جنگ، ما این جور ذوب نشدیم!»

غلامعلی رشید از فرماندهان ارشد سپاه نیز در تحلیل دستاوردهای این عملیات می‌گوید: «یکی از بزرگ‌ترین دستاوردهای این عملیات، زمینه‌سازی برای عملیات‌هایی مانند بدر، والفجر ۸ و حتی کربلای ۴ و ۵ بود. عملیات خیبر در صحنه بین‌المللی نیز دستاوردهای خاصی داشت و بسیاری از حامیان رژیم بعث را به وحشت انداخت؛ وحشت از شکست قطعی صدام حسین. تزلزل سیاسی در اردوگاه دشمنان باعث شد تا در فاصله شروع عملیات تا حدود هفت ماه بعد، بیش از ۵۶ کشور چهارصد و هفتاد و چهار طرح صلح به ایران ارائه کنند».

معجزه پل در عملیات خیبر

با ناموفق بودن تلاش‌ها برای شکستن طلایه، نصب پلی شناور بر روی هور به طول بیش از سیزده کیلومتر در دستور کار قرار می‌گیرد. عملیات احداث پل شناور خیبر، از نهم اسفند شروع شده و ۲۷ اسفند ۶۲ بعد از چندین روز تلاش شبانه‌روزی به پایان می‌رسد.

قطعات مورد نیاز ساخت این پل که تا آن زمان، در تاریخ جنگ‌های جهان بی‌سابقه بود، طی یک کار شبانه‌روزی که با مشارکت بیش از چهارصد نفر در کارخانه‌های مختلف همراه بود، ۶ هزار قطعه پل به ابعاد ۳ در ۵ متر و وزن ۱۲۰۰ کیلوگرم با سطحی مقاوم از پروفیل و محفظه‌ای از پلی‌اورانان فوم که با فایبرگلاس پوشیده بود، برای آب‌های با سرعت حداکثر ۲ متر بر ثانیه، با تحمل وزن ۶ تن ساخته می‌شود.

در مرحله بعد، ابتدا گروهی ویژه نصب قطعات پل در تهران آموزش داده شده و هم‌زمان کار انتقال قطعات پل به جنوب از اواخر آذر و اوایل آبان ۶۲ با رعایت دستورالعمل‌های حفاظتی شروع می‌شود. در زمان عملیات، وقتی که نوبت به احداث پل می‌رسد، قطعات پل با سرعت به هور انتقال داده می‌شود به طوری که روزانه ۳۰ تا ۴۰ و گاهی تا ۷۵ تریلی حامل این قطعات، چهار قطعه در هر تریلی، انتقال داده شده و تحویل نیروهای نصب‌کننده می‌شود. عملیات نصب در آب و هوای سرد منطقه و با وجود کمبود امکاناتی مانند لباس غواصی، با سختی‌های زیادی همراه است و برخی فرماندهان میدانی، چنین کاری را سخت‌ترین کار دوران دفاع مقدس می‌دانند.

احداث جاده سیدالشهداء

پل‌های خیبری با وجود امتیازهایی مانند سرعت بالای نصب، سبک بودن و قابلیت سریع جایگزینی قطعات در صورت آسیب دیدن بر اثر حملات توپخانه‌ای و هوایی دارای مشکلاتی مانند عرض کم مسیر









و محدودیت تردد تجهیزات سنگین بود. علاوه بر آن، تعمیر یا جایگزینی قطعات این پل در بلندمدت به صرفه نبود. در مجموع پل شناور به طور کامل نمی‌توانست نیازهای تدارکاتی ایران را فراهم کند و به همین دلیل هم‌زمان با ساخت پل، احداث جاده نیز از ۸ اسفند ۶۲ شروع می‌شود. مسیر جاده، چند صد متر پایین‌تر از پل خیبر و موازی با آن طراحی می‌شود. عرض جاده از همان ابتدا طوری در نظر گرفته می‌شود که ۲ کامیون به راحتی از کنار یکدیگر رد شوند.

طی احداث این جاده در وسط هور، مراکز پشتیبانی و مهندسی جنگ جهادسازندگی سمنان، زنجان، آذربایجان غربی، نجف‌آباد، اصفهان و خوزستان مشارکت دارند که در این میان جهادسازندگی نجف‌آباد، نقشی عمده و محوری داشته است.

در نهایت ۷۵ روز بعد از شروع کار، جاده هم‌زمان با سالروز میلاد امام حسین به جزیره شمالی متصل شده و به همین مناسبت جاده به نام «سیدالشهدا» نام‌گذاری می‌شود. حدود ۱۲ کیلومتر از این جاده ۱۴۲۰۰ متری، از سمت هور و بقیه از جانب جزایر احداث شد و متوسط ارتفاع آن از کف هور، ۳ متر برآورد شده است. اگر بخواهیم یک برشی عرضی از جاده را بررسی کنیم، باید بگوییم جاده به شکل دوزنقه‌ای است که قاعده بزرگ‌ترش با طول متغیر ۲۰ تا ۳۰ متر در کف هور قرار گرفته و قاعده کوچک‌ترش، با متوسط عرض ۲۰ متر، عرض مفید جاده را تشکیل می‌دهد.

در مجموع، طی عملیات احداث این جاده، حدود ۵۰ دستگاه راه‌سازی و ۴۰۰ کامیون بر روی جاده فعال بودند و بیش از ۱۰۰۰ کامیون کمپرسی نیز در قسمت حمل‌ونقل شن و ماسه و خاک از فواصل دورتر به نزدیکی منطقه کار می‌کردند. تعداد رانندگان کمپرسی فعال در این طرح نیز بیش از ۸۰۰ نفر برآورد شده است.

به استناد اسناد مهندسی جنگ جهاد، در طول اجرای این جاده، بر اثر حملات هوایی و توپخانه‌ای عراق، بیش از ۳۰ کامیون کمپرسی به طور کلی منهدم شد و ۱۴۰ دستگاه نیز بین ۱۰ تا ۵۰ درصد آسیب دیدند. از دستگاه‌های مهندسی نیز از خودروی سبک گرفته تا لودر و بولدوزر، خسارت دیده یا به طور کلی نابود شدند.

در مجموع، جهادسازندگی کشور در طول عملیات خیبر، بیش از ۱۰۰ شهید و نزدیک به ۷۰۰ زخمی داشت که از ابتدای جنگ تا آن موقع، بی‌سابقه محسوب می‌شد.



سازمان فرهنگی و ورزشی شهرداری نجف آباد

www.najafabad.ir

